

سال دوم

جلسه ۳۵

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

یکشنبه ۹۰ / ۸ / ۲۹

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم  
در معنا  
با هم مختلف اند

قول دوم

بزرگسی نتند  
حرفی نتند  
هم معنا هستند

قول اول

بزرگسی نتند  
حرفی نتند  
دارای معنا نیستند

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم  
در معنا  
با هم مختلف اند

نظریه اول:  
نظریه مرحوم نائینی

اشکال مرحوم هراتی (۳)

در «سیر من البصره»، مطلوب «سیر از بصره» است که متعلق طلب واقع شده است  
متعلق طلب : همان معنایی است که طالب، آن را خواسته است.

اگر معنای حروف، «ایجاد» است :  
لا جرم در «سر من البصره»، «من» در ناحیه مطلوب نیست، بلکه در ناحیه «طلب» (جمله امریه)  
خواهد بود

طلب از مطلوب، متأخر است (تأخر عارض از معروض)

از طرفی «من» در ناحیه مطلوب است  
چراکه : دخالت در مطلوب دارد و از قیود مطلوب است

ما می گوئیم :

اشکال مرحوم عراقی : کامل است

چراکه : «مطلوب» (اینکه می خواهیم «زید از بصره سیر کند») باید ابتداء در ذهن متکلم باشد بعد : آن را به زبان آورد و طلب کند.

حال : وقتی «مِن» با «سِر من البصره» پدید می آید، چگونه می تواند قبل از پدید آمدن، در ذهن متکلم «سِر من البصره» را پدید آورد؟

اما اگر گفتیم : «مِن» حاکی از فعل نفس است :

در ذهن متکلم بین «سیر و بصره» رابطه ای ایجاد شده و به وسیله کلام مورد اشاره قرار می گیرد

این اشکال، بازگشت به قضیه «معقوله» و قضیه «ملفوظه» دارد که در کلام مرحوم بجنوردی خواندیم

برخی می گویند : مراد مرحوم نائینی آن است که «حروف، معنا را در ذهن سامع ایجاد می کند»

اما این اشکال مرحوم عراقی معلوم می کند که :

مراد مرحوم نائینی، «ایجادیت حروف» نسبت به ذهن «متکلم» است

اشکال مرحوم هراتی (۴)

الفاظ : ۱. مفرد ۲. مرکب  
الفاظ مرکب : ۱. ناقصه ۲. تامه  
مرکب تامه : ۱. انشائی ۲. خبری

تمام اقسام مذکور، دو مدلول دارند:

۱. «مدلول بالذات»: همان مفهومی که در ذهن است

۲. «مدلول بالعرض»: که خارج از ذهن است و مفهوم آن را نشان می دهد و با آن متحد است

مقصود از کلام (وضع و استعمال): دلالت بالعرض است

اگر: حروف «ایجادیه» باشند: مدلول بالعرض تنها برای «اسماء» موجود خواهد بود

لذا: تمام اجزای کلام دارای مدلول بالعرض نخواهد بود.

در حالیکه: گفتیم آنچه هدف از وضع، استعمال و تألیف کلام است، همین مدلول بالعرض است.

اشکال مرحوم هراقی (۴)

اگر گفتیم زید در خارج وجود دارد + قائم هم وجود دارد + وجود رابط هم در خارج هست  
و در إزای وجود زید : مفهوم مستقل زید است  
و در إزای وجود قائم : مفهوم مستقل قائم است  
و در إزای وجود رابط : مفهوم غیر مستقل ربط هست  
در إزای هر یک از آنها : لفظ زید، لفظ قائم و هیئت قرار گرفته است.  
طبق این نظر : وجود رابط، دارای مفهوم است  
لذا : هر کدام از این الفاظ یک مدلول بالذات (مفاهیم ذهنی) دارند و یک مدلول بالعرض.

در حالیکه  
طبق مبنای  
دیگر:

اما طبق نظر مرحوم نائینی :  
«فی»، «موجد» ربط است + مفهوم ذهنی غیر مستقلى در إزای آن نیست  
پس : مدلول بالذات ندارد و بالطبع مدلول بالعرض ندارد.

اشکال مرحوم هراقی (۴)

توضیح فرمایش مرحوم عراقی :

اگر حروف، «ایجادی» باشند : سامع از شنیدن لفظ «زید فی الدار» می فهمد که متکلم بین مفهوم «دار» و مفهوم «زید»، در ذهن خودش رابطه ای را ایجاد کرده است

در حالیکه هدف اصلی از کلام آن است که :

ما به سامع بفهمانیم که بین «زید» و «دار»، در عالم خارج، ارتباط است. چراکه : مدلول بالعرض - که مطلوب اصلی است - زید و دار خارجی هستند

نکته

در حالیکه ممکن است بگوییم :

کلماتی مثل «کلی»، «نوع» (معقولات ثانی منطقی) مدلول بالعرض ندارند و یا اگر هم مدلول بالعرض دارند : این مدلول بالعرض، در عالم خارج نیست بلکه در «نفس الامر» است.

الا اینکه بگوییم : مراد مرحوم عراقی از خارج، هر جایی اعم از ذهن است



اشکال مرحوم هراقی (۴)

از دیدگاه مرحوم نائینی :

آنگونه که اسماء مدلول بالذات و بالعرض دارند، حروف مدلول بالذات و بالعرض ندارند

اما این به آن معنی نیست که : حروف راهی برای حکایت گری از عالم واقع و عین ندارند

چراکه : نحوه حکایت گری حروف از خارج به این است که :

حروف می خواهند در ذهن بین مفهوم «دار» و مفهوم «زید» رابطه ای ایجاد می کنند

همانند : رابطه وجود خارجی زید و وجود خارجی دار در عالم عین است.

پس : حروف از ابتداء مدعی ایجاد وجود بین مفاهیم هستند که مطابق با وجود رابط خارجی

است

اما اگر گفتیم حروف حکایت گر از فعل نفس هستند: باز همین مطلب جاری می شود.  
به این بیان که : حروف حاکی از فعل نفس هستند و لذا «فعل نفس» مدلول بالذات آن است  
ولی : نحوه انطباق آن با عالم عین به همان نحوه ای است که در توجیه فرمایش نائینی مطرح

شد

ما  
می گوییم